

Received:2023/5/10
Accepted:2023/7/19
Vol.22/No.84/Summer2025

scientific quarterly journal of Islamic mysticism
erfan.eslami.zanjan@gmail.com
<https://sanad.iau.ir/journal/mysticism>

Applied Mysticism as a New Knowledge in Islamic Mysticism

Saeid Reyhani, Vahid Vahedjavan^{}, Behruz Mohammadi Monfared*

PhD Student, Faculty of Islamic Thought & Studies, University of Tehran, Tehran, Iran.

Associate Professor, Faculty of Islamic Thought & Studies, University of Tehran, Tehran, Iran.

**Corresponding Author, vahedjavan@ut.ac.ir*

Associate Professor, Faculty of Islamic Thought & Studies, University of Tehran, Tehran, Iran.

Abstract

Theoretical and practical mysticism are Islamic sciences that have a special place in the field of religious studies, but so far they have not been properly paid attention to by humanities thinkers in different fields of life. The result of this neglect is the deprivation of human beings from the attitudinal, tendentious and practical capacities of Islamic mysticism. For this reason, in this research, for the first time, the idea of "applied mysticism" as a new knowledge, in order to examine the works and attachments of theoretical mysticism and practical mysticism in human problems, and with an analytical method after explaining the necessity, subject, Its purpose and method are defined as follows: "Explaining the body of knowledge of Islamic mysticism (theoretical and practical) in various areas of individual and social life at two levels of external and internal actions by processing the conditions and requirements of various environments of contemporary man and focusing on the examining objective and detailed cases and presenting more specific principles and rules of ". Then, it has been discussed about the place of applied mysticism and its works and results.

Keywords: theoretical, practical, knowledge, Islamic Mysticism, applied mysticism.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۲۰

فصلنامه علمی عرفان اسلامی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۴/۲۸

دوره ۲۲- شماره ۸۴- تابستان ۱۴۰۴- صص: ۹۲-۷۱

مقاله پژوهشی

عرفان کاربردی به مثابه دانشی جدید در مجموعه عرفان اسلامی

سعید ریحانی^۱

وحید واحدجوان^۲

بهروز محمدی منفرد^۳

چکیده

عرفان نظری و عملی از دانش‌های اسلامی هستند که در سپهر مطالعات دینی از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند اما تاکنون آنچنان که باید، مورد توجه قاطبه اندیشمندان علوم انسانی در عرصه‌های مختلف زندگانی، قرار نگرفته‌اند. نتیجه این بی‌توجهی محرومیت انسان‌ها از ظرفیت‌های نگرشی، گرایشی و عملی عرفان اسلامی است. به همین جهت، در این پژوهش برای نخستین بار، ایده «عرفان کاربردی» به مثابه دانشی جدید، جهت بررسی آثار و پیوست‌های عرفان نظری و علم عرفان عملی در مسائل انسانی طرح، و با روشی تحلیلی پس از تبیین ضرورت، موضوع، غایت و روش آن، بدین صورت تعریف شده است: «تبیین مجموعه دانشی عرفان اسلامی (نظری و عملی) در ساحات گوناگون زندگی فردی و اجتماعی در دو سطح جوانجی و جوارحی با پردازش شرایط و اقتضایات محیط‌های گوناگون انسان معاصر و تمرکز بر بررسی موارد عینی و جزئی و ارائه اصول و قواعد خاص‌تر». سپس پیرامون جایگاه عرفان کاربردی و آثار و نتایج آن سخن رفته است.

کلیدواژه‌ها: عرفان، عرفان نظری، عرفان عملی، علم، عرفان کاربردی.

۱- دانشجوی دکتری دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، ایران.

۲- دانشیار دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، ایران. نویسنده مسئول:

vahedjavan@ut.ac.ir

۳- دانشیار دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، ایران.

پیشگفتار

انسان در زندگی فردی و اجتماعی خود با دایره گسترده‌ای از مشکلات و چالش‌ها در حوزه نظر و عمل مواجه است؛ زیرا از یک سو، ذات و طبیعت زندگی، دارای سختی‌ها، مشکلات و تراحمات است؛ و از سوی دیگر، برای انسان معاصر، مدرنیته و تکنولوژی با پشتوانه‌ها و پیوست‌های معرفتی و ارزشی خود در جریان است؛ به علاوه، عرفان‌واره‌ها و معنویت‌های متنوعی در حال عرضه آرا و شیوه خود هستند و انسان معاصر در این مختصات جدید بیش از پیش از ملکوت و عالم معنا بیگانه گشته است؛ و روشن است که زندگی رفاه‌زده و رو به پیشرفت، در صورت فقدان معرفت و معنویت، همراه با گم‌گشتی‌هاست و نتیجه‌اش غفلت و دوری از بُعد اخروی و الهی است؛ از این رو، باید اذعان نمود که ضروری است از علوم مبنائی از جمله عرفان اسلامی، به عنوان بعد باطنی دین اسلام در این برهه رویارویی توحید و شرک، برای حل مشکلات و چالش‌های نظری و عملی انسان بهره‌برد. زیرا ظرفیت مجموعه دانشی عرفان اسلامی نویدبخش افق‌های جدیدی پیش‌روی انسان به خصوص انسان معاصر است و می‌تواند گره‌های علمی و عملی او را در زندگی در زمینه‌های معرفتی و معنوی بازنماید. به همین جهت، این پژوهش درصدد است ایده عرفان کاربردی را به عنوان حلقه وصلی میان میراث دانشی عرفان اسلامی در حوزه نظر و عمل با مسائل پیدا و پنهان انسان، به‌ویژه معاصر مطرح‌نماید و برای تحقق این هدف در نوشتار حاضر با روشی توصیفی و تحلیلی به ویژگی‌های عرفان کاربردی به-مثابه یک دانش پرداخته شده‌است.

پیشینه پژوهش

بر اساس جست‌وجوی صورت‌گرفته، تاکنون اثری پیرامون کاربردی‌سازی عرفان به‌مثابه یک دانش و وجوه معرفتی آن، به صورت مستقل منتشر نشده‌است و بر این اساس می‌توان این مقاله را اولین اثر مستقل در این عرصه تلقی نمود.

۱. مفهوم شناسی واژگان

عرفان

عرفان یکی از مصدراهای باب «عرف یعرف» است. (معلوف، ۱۳۷۳، ۴۹۸) و در کتاب‌های لغت به معنای علم، شناخت، آگاهی، شناختن، دانستن و مانند آن آمده‌است. البته با دقت در موارد استفاده «عرفان» و «علم» تفاوت‌هایی قابل مشاهده است؛ (دهخدا، ابن منظور، ۱۴۱۴، ۹، ۲۳۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۵۶۰) و همگی آن‌ها بر این تمایز قابل ارجاع است که «عرفان» به آگاهی‌های تفصیلی اختصاص دارد ولی علم شامل مطلق آگاهی‌هاست؛ از این رو، هر عرفانی علم است، ولی هر علمی عرفان و معرفت نیست. (عسکری، ۱۴۱۲، ۷۲)

در اصطلاح، عرفان، شناخت کشفی و شهودی حق تعالی و اسماء و صفات و افعال اوست که با سیر و سلوک عملی و تصفیه باطن و پاکسازی درون و تخلیه و تلطیف سر به دست می‌آید. (لاهیجی، ۱۳۸۵، ۱۰) یا عرفان، فرآیند عملی مرحله به مرحله و منزل به منزل است که با بریدن از نفس و برطرف ساختن موانع و رهایی از تعلقات و وابستگی‌ها و عبور و دوری از کثرات شروع می‌شود و به شهود حق تعالی و اسماء و صفات و افعال وی و فنای او و بقا به او پایان می‌یابد. (رمضانی، ۱۳۹۸، ۲۵)

در این تعریف، به مقدمات و شرایط حصول شهود نیز اشاره کلی و مختصری شده‌است؛ از این رو «عرفان» در معنای اصطلاحی را می‌توان به این صورت خلاصه نمود که «عرفان، شهود قلبی و رسیدن به عالی‌ترین نوع معرفت و شناخت است که فوق معرفت حسی، نقلی و عقلی است.» درواقع عرفان به معنای اصطلاحی خود مترادف با شهود قلبی است. کسب آگاهی و شناخت راه‌های گوناگونی از قبیل تعقل، تجربه و نقل دارا می‌باشد که «عرفان» را باید یکی از راه‌های شناخت دانست. عرفان از سنخ علوم حضوری ست که در آن واسطه مفاهیم میان عالم و معلوم وجود ندارد.

«عرفان» در کاربرد دانشی خود به دو قسمت نظری و عملی تقسیم می‌شود؛ عرفان نظری و عرفان عملی. عرفان نظری، نظام‌بخش تجربیات عارفانه در مراحل نهایی سلوک؛ و عرفان عملی یا علم سلوک نظام‌بخش تجربیات سالکانه از مبدأ تا مقصد است.

محقق قیصری در تعریف عرفان نظری می‌نویسد: عرفان نظری علم به خداوند سبحان است از جهت اسماء، صفات و مظاهرش، و احوال مبدأ و معاد و علم به حقایق عالم و کیفیت و چگونگی برگشت حقایق به حقیقت واحد که همان ذات احدی است. (قیصری، ۱۳۸۱: ۷). فناری نیز می‌گوید: فهم کیفیت ارتباط حق و خلق و چگونگی نشأت گرفتن کثرت از آن وحدت حقیقی، علم حقایق و مکاشفه و مشاهده (عرفان نظری) است. (فناری، بی تا: ۶)

همچنین قیصری در تعریف علم عرفان عملی می‌گوید: علم عرفان عملی شناخت راه سلوک و مجاهدت است تا نفس از تنگناهای قیود جزئی رهایی یافته به مبدأ خویش (حق متعال) متصل شود. (قیصری، ۱۳۸۱: ۷) و فناری در کتاب مصباح الانس، عرفان عملی را چنین تعریف می‌کند که علم سلوک، آباد کردن درون با معاملات قلبی از طریق تخلیه جان از مهلکات و آراسته کردن درون به منجیات است. (فناری، بی تا: ۶)

این تعاریف را با عبارات دیگر نیز می‌توان بیان داشت، بدین صورت که مجموعه دستورها و قواعد معطوف به اعمال و احوال قلبی (ریاضت‌ها) در قالب منازل و مقامات که تبعیت از آن‌ها به حصول کمال نهایی انسانی (همان لقاء الله و فناء فی الله) می‌انجامد (یزدان‌پناه، ۱۳۹۳: ۷۲) علم عرفان عملی است؛ و ترجمه و تعبیر حقایق و معارف توحیدی، یعنی وحدت شخصی وجود و لوازم آن، که عارف از راه شهود و تحقق در نهایی‌ترین مرحله آن، به دست آورده باشد؛ شهودی که معمولاً در پی ریاضت یا عشق یا هردو حاصل می‌شود (همان) عرفان نظری نام دارد. ناگفته نماند تقسیم علم عرفان به نظری و عملی، در ساحت تعبیر و تفسیر و در مقابل ساحت تجربه عرفانی بوده است. آنچه در این میان بیش از همه اهمیت دارد، توجه به اصالت، ضرورت و تقدم ساحت تجربه عرفانی بر دانش عرفان است؛ زیرا سیر در همین ساحت است که انسان را از عالم طبیعت و ماده فراتر برده و وی را سالک طریق حق می‌نماید و به مقام فنا می‌رساند. افزون بر این باید در نظر داشت که از نظر زمانی نیز تقدم با تجربه‌های عرفانی یا همان عرفان عملی است و بعدها علم عرفان عملی و نظری شکل گرفتند. (رمضانی، ۱۳۹۸، ۲۹)

کاربرد

کاربرد در لغت، ترکیب «کاربرد» و «یاء نسبت» است. کاربرد به معنای به کار بردن، بهره گرفتن، استفاده، مصرف و مانند آن است. (معین، فرهنگ معین، ماده کاربرد) در فرهنگ لغت (برخط ویستر) علم کاربردی همچون شاخه‌ای تعریف شده است که با فن یا علم کاربرد دانش علمی در مسائل علمی سر و کار دارد. امروزه به طور گسترده شاهد به کارگیری ترکیبات اضافی علوم مختلف به این اصطلاح هستیم. علوم مختلف در اضافه به واژه «کاربردی»، معانی متفاوتی پیدامی‌کنند و گویای زاویه و رویکرد خاصی از علوم می‌باشد. به عنوان نمونه می‌توان به مواردی از قبیل «منطق کاربردی»، «اخلاق کاربردی»، «کلام کاربردی»، «علوم اجتماعی کاربردی» در حوزه علوم انسانی و «شیمی کاربردی»، «فیزیک کاربردی» و «ریاضی کاربردی» در حوزه علوم تجربی و ریاضی اشاره کرد.

برای اینکه مفهوم «کاربردی» به روشنی تبیین شود، لازم است به عنوان نمونه به موارد استفاده آن در علوم مختلف اشاره شود:

منطق کاربردی گرایشی در منطق است که با بهره‌گیری از قواعد منطقی جنبه‌های مهارتی منطق مورد توجه است؛ از این‌رو، در منطق کاربردی از اصطلاحات پیچیده و مغلق رایج در کتاب‌های منطقی پرهیز می‌شود و از مثال‌های ساده ملموس استفاده می‌شود. (خندان، ۱۳۹۵: ۱۷-۱۶) از منطق کاربردی می‌توان به نفع سایر علوم از جمله معرفت‌شناسی، فلسفه زبان، فلسفه و همچنین مسائل اجتماعی بهره‌برد.

اخلاق کاربردی عبارت است از: کاربردی کردن ارزش‌های اخلاقی در زندگی فردی و اجتماعی؛ (شریفی، ۱۳۹۰: ۸۳) یا کاربردی نمودن نظریه‌های کلی اخلاقی یا احکام حاصل از آن‌ها در مسائل خاص اخلاقی (همان) و در بیانی دیگر، اخلاق کاربردی به دنبال دست‌یافتن به قواعدی خاص‌تر از قواعد عام اخلاقی است که در شرایط ویژه و موضوعات و موارد مشخص‌تر و جزئی‌تر کارایی داشته باشد. (اسلامی و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۲)

در فلسفه، کاربردی بودن از یک سو می‌تواند به معنای مشارکت آن در مباحث نظری سایر علوم باشد، مانند مشارکت فلسفه در مباحث کاملاً نظری مرتبط با علوم شناختی، و از سوی دیگر می‌تواند به معنای پرداختن به مسائلی باشد که امروزه از نیازهای اصلی فردی و اجتماعی انسان است، مانند فلسفه برای کودکان، که در آن رشد تفکر انتقادی کودکان محل توجه است. بنابراین کاربرد فلسفه هم به حوزه نظر و هم به حوزه زندگی روزمره انسان مرتبط است. (زاهدی، ۱۳۹۳: ۱۰)

کلام کاربردی به معنای کاربرد مبانی و معیارهای کلامی در تقریر یا اثبات یک مساله یا موضوع خاص اعتقادی مورد نیاز جامعه، با توجه به روش‌های متفاوت مکاتب کلامی در استفاده از منابع وحیانی، برهانی، عرفانی و تجربی یا تلفیقی از آن‌هاست. (محمدی، ۱۳۹۴: ۸۱) به بیان دیگر، مجموعه مطالعات راه‌های تحقق باورها و مقولات کلامی در محیط زندگی فردی و اجتماعی انسان، کلام کاربردی است. در واقع کلام نظری معاد و توحید را اثبات می‌کند و کلام کاربردی تلاش می‌کند آن را به عرصه عملی وارد کند. (سبحانی، ۱۳۹۶: نشست علمی)

جامعه‌شناسی کاربردی عبارت است از مطالعه مسائل اجتماعی که راه‌حل‌های عملی ارائه می‌دهد و بر سیاست‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارد. (کالوین جی. لارسن، ۱۳۷۷: ۷۸)

با توجه به موارد بالا به این نتیجه رهنمون خواهیم شد که عبارت «کاربردی» در هنگام اضافه به یک رشته یا دانش، اصطلاحی جدید بوده که علی‌رغم استفاده‌های فراوان در علوم متعدد، معنای واضح واحدی برای آن ارائه نشده است و از قبیل اشتراک لفظی بوده و نمی‌توان آن را یک اصطلاح جاافتاده مسلم دانست. از این‌رو، در پژوهش پیش‌رو با نگاهی به موارد مشابه، معنای زیر مد نظر قرار می‌گیرد: «تهیه اصول و قواعد خاص و جزئی‌تر یک دانش و موردکاوی مسائل با نظر داشت نیازها، چالش‌ها و شرایط ویژه انسان‌ها و عوامل درونی و بیرونی آن‌ها».

علم و تمایز علوم

از آنجا که ایده عرفان کاربردی در قالب علم و دانشی مستقل ارائه می‌شود لازم است به مقوله «علم» و معیار تمایز علوم اشاره شود تا تفاوت و جایگاه «عرفان کاربردی» بر آن اساس تبیین گردد. در بررسی علم و تمایز علوم باید ابتدا اشاره نمود که واژه «علم» مترادف «دانش» و «حکمت» است. (برخط دهخدا) لغت شناسان علم را به معنای مطلق آگاهی (جوهری، الصحاح، ۱۴۱۰، ۵: ۱۹۹۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۲: ۴۱۶) و نقیض جهل (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۲: ۱۵۲؛ عسکری، الفروق اللغویه، ۱۴۱۲: ۳۱) به-کاربرده‌اند. برخی نبود احتمال خلاف را نیز در معنای لغوی «علم» دخیل دانسته‌اند. (طریحی، ۱۴۱۶، ۶: ۱۱۹)

در معنای اصطلاحی، «علم» را می‌توان از منظرهای هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و بعد فرهنگی-اجتماعی مورد بررسی قرار داد. در شکل‌گیری و شاخه‌بندی علوم «علم» از حیث فرهنگی-اجتماعی و به عبارتی از بعد جامعه‌شناختی لحاظ می‌گردد. «علم» از این منظر به عنوان پدیده‌ای اجتماعی قلمداد می‌شود که در جریان تکامل اجتماعی انسان‌ها ظهور می‌یابد؛ به عبارتی دیگر در نگاه جامعه‌شناختی، هیأت تألیفی شکل‌یافته از مجموعه گزاره‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ (حبیبی و دیگران، ۱۳۹۱، ۳۲) البته اندیشمندان قیود و حدود گوناگونی برای آن در نظر می‌گیرند که می‌توان آن‌ها را الگوهای مختلف علم‌شناسی دانست. پرواضح است در میان اندیشمندان مسلمان، مباحث صورت گرفته پیرامون تمایز و طبقه‌بندی علوم - که مربوط به نوشتار کنونی نیز هست - «علم» از منظر فرهنگی-اجتماعی مورد نظر است.

پس از مباحث گوناگونی که پیرامون حدنگاری علوم ارائه شده‌است در نظرات نهایی، تمایز و استقلال علوم را باید به اعتبار دانست و در نتیجه هر علمی دارای وحدت اعتباری خواهد بود. در الگوی نوین علم‌شناسی، اندیشمندان مسلمان^۱ بر این نظرند که دانش‌ها مجموعه‌ای منسجم از مسائلی هستند که به‌نحو روشمند و در چارچوب نظری معین و بر اساس منابع و هدفی مشخص سامان می‌یابند. (قراملکی و دیگران، ۱۳۸۳، ۱۰۵-۱۲۴). با نظر به سیر شکل‌گیری علوم پژوهشگران بر این عقیده‌اند که مطالعه فرآیند رشد و تحول تاریخی علوم نشان می‌دهد که موضوع، امری ثانوی و تبعی است و علم، چیزی جز مسائل نیست. (قراملکی، ۱۳۸۵، ۱۳۵) از میان فقها و اصولیان نیز امام خمینی (ره) به‌طور جدی بر این مسأله توجه داشته و با بیان مثال‌هایی از علم جغرافیا و فقه، اشاره می‌نماید که

۱. اندیشمندان مسلمان به تناسبی بیشترین مباحثی که در این زمینه داشته‌اند در ابتدای مباحث اصول فقه است. معمول اندیشمندان مسلمان متأخر الگوی علم‌شناسی ارسطویی که موضوع محور بوده، نقد نموده‌اند و به این نتیجه منتقل شده‌اند که نمی‌توان از قاعده (موضوع کل علم ما بیحسب فیه عن عوارضه الذاتیه) بنا به تفسیر ارسطویی دفاع نمود. (ر.ک احد فرامرز قراملکی و دیگران، ۱۳۸۳، ۱۰۵-۱۲۴).

در ابتدا قضایای علوم تعداد معدودی بوده‌اند که در ادامه مسائل رشد کرده و با وحدت اعتباری جمع شده و نام «علم» بر آن‌ها نهاده شده است. (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۱، ۱، ۳۵-۳۴) از این رو، در این مقاله، برای دانش جدید بودن عرفان کاربردی، از این دیدگاه بهره خواهیم برد.

۲. عرفان کاربردی

بعد از تبیین واژگان، نوبت به عرفان کاربردی می‌رسد که از جهات مختلف تبیین و تحلیل گردد تا در مجموعه معرفت مناسبی نسبت به آن حاصل شود.

ضرورت‌شناسی عرفان کاربردی

امروزه شاهد گرایش به معنویت در جوامع مختلف هستیم؛ شیوع عرفان‌واره‌ها و جنبش‌های معنویت‌گرا خود شاهد این مدعا است که انسان معاصر با پشت سر گذاشتن دهه‌هایی از نظریات مرگ خدا و پوچ‌انگاری مباحث فرامادی در جست و جوی عرفان و معنویت است؛ از سویی دیگر، عرفان اسلامی نیز در برهه‌های گوناگون و به دلایل مختلفی مورد بی‌مهری قرار گرفته است. (ر.ک: واحدجوان، ۱۳۹۸: ۵۱) بر این اساس باید اذعان نمود که گرایش تشدیدشده به معنویت، شیوع عرفان‌واره‌ها و انزوای مباحث عرفانی بیانگر ضرورت بازخوانی مجموعه عرفان اسلامی در متن زندگی انسان معاصر است و ایده عرفان کاربردی در این راستا است. از این رو، می‌توان وجوه ضرورت عرفان کاربردی را دو ساحت «ایده» عرفان کاربردی و «دانش» عرفان کاربردی بررسی نمود:

ضرورت عرفان کاربردی به مثابه یک ایده

تعمیق دین‌داری

حقیقت آن است که در نسبت‌سنجی دین و عرفان، عرفان مقوله‌ای درون دینی بوده که مربوط به حوزه باطنی دین است. (ر.ک سیدحیدرآملی، ۱۳۶۸: ۳۴۵) تأمل مسأله‌محور به عرفان موجب گذر از سطوح ظاهری دین و تعمیق دین‌داری می‌گردد؛ به عنوان نمونه می‌توان به مراتب عبادت (ر.ک کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۸۴) اشاره نمود که با نگرش توحید عرفانی قابل تحقق خواهد بود و نتیجه این امر تعالی هرچه بیشتر انسان، و فاصله گرفتن از زندگی در لایه‌های حیوانی می‌باشد.

دیربایی مفاهیم عرفانی و ضرورت تسهیل فهم مفاهیم و معارف عرفانی

فهم مباحث عرفانی از سویی به دلیل انس توده مردم با زندگی مادی و از سویی دیگر به دلیل نگارش‌های سنگین توسط عارفان مانند کتب ابن عربی و شارحان آثار وی، تنها مورد استفاده خواص

از نخبگان قرار می‌گیرد. از این رو، آسان‌سازی منابع با رویکرد مسأله‌محوری حوزه‌های مختلف زندگی انسان معاصر که در عرفان کاربردی مدنظر موجب رفع این خلأ خواهد شد.

برداشت‌های اشتباه از عرفان اسلامی و مخالفت‌های صورت گرفته با عرفان

در طول اعصار گذشته افراد مختلفی با انگیزه‌های گوناگون با عرفان مخالفت می‌نمودند. انگیزه‌های مخالفت‌ها گاهی نگرانی از ارائه نسخه‌هایی جایگزین دین بوده‌اند، گاهی اشکالاتی بر کتاب‌ها و آرای عرفانی نوشته شده محققان داشته‌اند، گاهی از انحرافات خرقة پوشان و سلسله‌های صوفیه نگران بودند و همه این عوامل موجب مخالفت‌ها و دشمنی‌هایی با عرفان شده‌است که نیازمند بازسازی میراث عرفانی با رویکرد مسأله‌محور داشته تا از این رهگذر بتوان با ارائه شفاف مباحث عرفان اصیل و حقیقی از سوء برداشت‌ها جلوگیری نمود. درواقع، مخالفت‌های حاصل از سوء برداشت‌ها همچون سدی مانع گسترش و آشنایی توده مردم با ابعاد باطنی دین شده و خواهد شد.

شیوع جنبش‌های معنویت‌گرا به عنوان رقبای نظری و عملی عرفان اسلامی

بشر عصر مدرنیته و مستغرق در رفاه و امکانات مادی همچنان ناآرام است و در جست‌وجوی آرامش، دلیل تشنه‌ها و آشفتگی‌ها چیست؟ به نظرمی‌رسد مهمترین دلیل عدم توجه به نیازها و گرایش‌های اصیل فطرت انسانی است. مدرنیته با مبانی اومانیستی و الحادی خویش انسان از ملکوت آمده را به زمین دوخت و عدم‌سنجیت موجب بروز بیماری‌های روحی و پریشانی‌هاست. در دوران گذار از مدرنیته با شکست طرح‌های مادِیگرایانه عقب‌گردی صورت‌نگرفت و راه اشتباه دیگری در جاده جنبش‌های معنوی لائیک شکل گرفت که از چاهی به چاه دیگری بود. جنبش معنوی با اشاعه اباحی‌گری از سویی و توجه به فراماده از سوی دیگر، مخاطبان خاص خود را جذب نمود که جز در عالم خیال و طبیعت واهی ثمری در پی نداشت. درواقع باید اذعان نمود طرح عرفان کاربردی در مرحله‌ای از تطورات مجموعه عرفان اسلامی ارائه می‌شود که جنبش‌های معنوی گوناگونی در دنیای مدرن پا به عرصه گذاشتند، شاهد سبک‌های زندگی گوناگونی هستیم که جز ارضای تنوع‌طلبی انسان، چیزی به همراه ندارد، مورد اقبال برخی از مردم است و روزه‌روز از ایسم‌ها و ایده‌های جدیدی پرده‌برداری می‌شود و برخی را به دور خود گردمی‌آورند ولی همچنان انسان معاصر ناآرام است همچنان انسان معاصر افسرده است و جهان از معارف ناب عرفان اسلامی و ظرفیت‌های آن بی‌خبر است.

حضور و نقش آفرینی عرفان اسلامی در متن زندگی انسانی

با پیشرفت تکنولوژی و ظهور خرده‌فرهنگ‌های جدید، مسائل جدیدی فراروی انسان‌ها ایجاد شده و مواجهه صحیح با آن‌ها نیازمند دقت و بررسی‌های عالمانه است؛ چراکه به راحتی نمی‌توان پاسخ‌هایی

برای آن یافت. دقت‌ها و بررسی‌ها در فرآیند عرفان کاربردی با تبدیل مشکلات و نیازها به مسأله و لحاظ مقتضیات متن زندگی صورت می‌گیرد که از وجوه ضرورت عرفان کاربردی است.

نبود تفریعات مسأله‌محور بر اساس اصول و مبانی عرفان اسلامی

با وجود میراث گرانبهای عرفان اسلامی و ظرفیت‌های آن، تاکنون به امتدادهای مسأله‌محور آن توجه جدی نشده‌بود. تأملات مسأله‌محور از سویی و تحقق مسائل نوپیدا از سویی دیگر، توجه به عرفان کاربردی را به ضرورت مطالعاتی عرفان‌پژوهان تبدیل می‌نماید.

توجه افراطی به ادبیات عرفانی

ادبیات عرفانی و وجود آثار متنوع ادبی که با رنگ و بوی عرفانی نگاشته شده‌اند، علی‌رغم همه آثار و فواید گاه منجر به سطحی‌نگری در معارف عمیق و دقیق عرفانی می‌گردد که با طرح عرفان کاربردی می‌توان شاهد برقراری تعادل بین حوزه‌های زیباشناختی عرفان و حوزه‌های استدلالی و عملی عرفان بود؛ به عنوان نمونه می‌توان به محافل ادبی متعددی اشاره نمود که اشعار عرفانی با آب‌وتاب فراوان قرائت می‌شود بدون آنکه به تبیین اصول، مبانی و لوازم آموزه‌های عرفانی توجهی گردد.

ضرورت عرفان کاربردی به مثابه یک دانش

مدعا این است که در ایده عرفان کاربردی، عرفان کاربردی دارای هویتی معرفتی و در قالب دانشی مستقل است؛ به بیانی دیگر عرفان کاربردی را نباید تنها مجموعه‌ای از توصیه‌ها و نتایج نظری و عملی پراکنده دانست؛ درحقیقت، عرفان کاربردی عهده‌دار بررسی مسائل عرفانی و سلوکی هریک از ساحات جوارحی و جوانحی انسان مختار به صورتی روشمند و مبتنی بر منابع مشخص است؛ و این مهم تنها در قالب یک دانش مستقل تحقق خواهد یافت و نمی‌توان در تأملات و مکتوبات پراکنده و بحث‌های حاشیه‌ای عرفان نظری و علم عرفان عملی بدان دست‌یافت؛ و از سویی توجه به سه شاخصه زیر در طراحی ایده عرفان کاربردی ما را راهنمایی می‌نمایند:

ظرفیت مجموعه عرفان اسلامی خواه در مقام دانشی آن و خواه در مقام تحقق

ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های ساحت‌ها و تعاملات انسان معاصر

سختی تطبیق آموزه‌های عرفان نظری و عملی در موارد خاص

سه ویژگی بالا نشان از امکان و ضرورت پژوهش‌هایی هدفمند و در چارچوبی مشخص است که تنها در قالب یک دانش مستقل قابل تحقق خواهد بود؛ ازاین‌رو، باید ایده «عرفان کاربردی» را به‌منزله یک دانش مستقل ارائه نمود؛ از سویی چنانچه در تبیین معنای علم و تمایز علوم اشاره شد بر اساس الگوی علم‌شناسی جدید، استقلال دانشی عرفان کاربردی بر اساس مبنای وحدت اعتباری قابل طرح

است چراکه اعتبار استقلال با توجه به شاخصه‌های بالا دارای ترجیح بوده و با محذور لغویت روبرو نخواهد گشت؛ نتیجه آنکه می‌توان اذعان نمود عرفان کاربردی در قامت یک شاخه دانشی مستقل، موجب به خدمت‌گیری عرفان‌پژوهان در راستای اغراض دانشی عرفان کاربردی و جدایی از بستر علم برای علم خواهد بود.

موضوع‌شناسی عرفان کاربردی

موضوع عرفان کاربردی فعل اختیاری انسان از حیث توحیدی است و منظور از فعل انسانی، اعم از افعال جوارحی و جوانحی است. دلیل این شمول آن است که در سیر عرفانی ظاهر و باطن هر دو تأثیرگذار هستند. البته نباید از نظر دور داشت که اعمال جوانحی و معاملات قلبی از اهمیت بسیاری برخوردار بوده و اگر به ظاهر هم توجه می‌شود به دلیل تاثیرات باطنی آن‌ها در تحصیل قلب سلیم کامل می‌باشد.

هدف و غایت‌شناسی عرفان کاربردی

ارائه سبک زندگی عرفانی و بیان چگونگی ربط افعال به حقیقت هستی را می‌توان غایت دانشی عرفان کاربردی دانست؛ سبک زندگی به عنوان شیوه خاص زندگی با شاخصه‌های خاصی همچون علائق، نظرات، رفتارها و جهت‌گیری رفتاری در میان صاحب‌نظران مطرح است که با مباحث عرفان کاربردی می‌توان شاهد تحقق سبک زندگی عرفانی بود؛ با توجه به اینکه عرفان اسلامی بعد باطنی دین به عنوان برنامه سعادت‌بخش انسان است، غایت عرفان کاربردی را باید غایت دین و به عبارتی وصول به قله‌های معرفت و عبودیت حق تعالی دانست. با توجه به این غایت نهایی می‌توان به موارد زیر نیز اشاره نمود:

بیان نصابات نظری و عملی عرفان اسلامی در ساحت جوارح و جوانح

اینکه چه اندیشه و دیدگاهی عرفانی محسوب می‌شود و سازگار با مبانی توحیدی است و اینکه چه عملی، عرفانی محسوب می‌شود و سازگار با مبانی و اصول عرفان عملی است، تنها در چارچوب بررسی نظام‌مند به نتیجه خواهد رسید.

تشخیص، تحلیل و حل مسائل عینی و پیش‌روی

مهم‌ترین انتظار ما از عرفان کاربردی، تشخیص، تحلیل و حل مسائل عینی سالکان در زندگی است. در این هدف تشخیص از اهمیت فراوانی برخوردار است. چراکه اساساً انسان و به‌ویژه انسان

معاصر در سطح زندگی مادی مستغرق است و در موارد بسیاری نسبت به نیاز و مشکل سلوکی جهل مرکب دارد و در اینجا وظیفه پژوهش‌گر عرفانی دو چندان است.

تبیین و ترویج

چنانچه اشاره شد جهل مرکب نسبت به برخی از مسائل عرفانی در عرصه‌های گوناگون انسانی، علاوه بر تشخیص و ارائه راه حل نیازمند تبیین و ترویج برای آحاد افراد انسانی است تا از این رهگذر به سمت زندگی ناب توحیدی سوق پیداکنند. توضیح و تبیین این امر که زندگی انسان دارای ابعاد پیچیده پیدا و پنهانی است و ایجاد دغدغه‌مندی نسبت به ابعاد اصیل و باطنی دین در قالب ارائه یک منظومه فکری قابل تحقق است.

حل تعارضات

در متن زندگی، در مواردی شاهد جریان دو اصل عرفانی هستیم؛ نوع مواجهه انسان‌ها در موارد این چنین از وظایف عرفان کاربردی است. به عنوان نمونه کمک به فردی که در جمع تقاضایی مطرح- نموده است، آیا مصداق ریا است یا مصداق تشویق دیگران به امدادگری است، آیا به لحاظ عرفانی می- توان راهکار دیگری ارائه نمود که نه شائبه ریا داشته باشد و نه ترویج رد مستمندان؟ یا اینکه مصداق غذای شبهه‌ناک چیست؟ آیا به لحاظ عرفانی عدم استفاده از غذای شبهه‌ناک که موجب شکسته شدن دلی می‌گردد جایز است؟

بسترسازی زندگی توحیدی

فراهم نمودن شرایط لازم جهت تحقق زندگی سالکانه و توحیدی از اهداف طرح معرفتی عرفان کاربردی است؛ این امر موجب پیشگیری از بحران‌آفرینی مشکلات خواهد شد. به عبارتی در مشکلات نظری و عملی در وادی سلوک نیز می‌توان اذعان نمود که پیشگیری بهتر از درمان است.

به‌روزرسانی و بومی‌سازی توصیه‌ها و برنامه‌های عرفانی

هریک از برنامه‌ها و توصیه‌های عرفانی را باید اجزایی از فرآیند تحول و تعالی معنوی انسان‌ها در مسیر توحید بدانیم. پژوهشگران عرفان کاربردی باید در واقعیات عینی عرصه‌های مختلف برنامه‌ها و توصیه‌های عرفانی را طراحی نمایند. به عنوان نمونه به لحاظ مبانی عرفانی برای یک پزشک متخصص چه مقدار عزلت و یا چله گرفتن را می‌توان توصیه نمود؟ برنامه یک پزشک سالک باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟ فضای بیمارستان و مشاهده روزمره بیماران و رنج آن‌ها با چه مبانی نظری هم‌خوانی و یا تعارض ظاهری می‌تواند داشته باشد؟

شناسایی و معرفی الگوها

الگوهای عرفانی در عرصه‌های گوناگون بیانگر راه و راهنما هستند؛ به عنوان نمونه نوع سلوک عرفانی امام خمینی (ره) در عرصه مدیریت و رهبری یک امت؛ یا نوع سلوک شهید سردار سلیمانی در عرفان فرماندهی و عرفان جهاد. اولیاءالهی اهل سر و کتمان هستند و در حالت طبیعی از شهرت و شناخته شدن بیزارند و این وظیفه پژوهشگران عرفان کاربردی است که در عرصه شناسایی و معرفی اقدامات لازمی داشته باشند، شرح حال نویسی و زندگی نامه نویسی هم می‌تواند یکی از وظایف این پژوهشگران باشد.

ساختارسازی معرفتی و عملی بر اساس حقایق دین

دین به عنوان برنامه سعادت بخش انسان دارای ساحت‌های گوناگونی از قبیل احکام و عقاید و ... است؛ ایجاد هماهنگی و منظومه سازی این ساحت‌ها بر اساس پشتوانه‌های طرح و جعل آن‌ها صورت خواهد گرفت؛ با توجه به اینکه عرفان به حقایق باطنی دین می‌پردازد می‌توان در قالب عرفان کاربردی به پشتوانه‌های طرح و یا جعل آموزه‌های دینی پرداخت؛ بر این اساس باید عرفان کاربردی راهگشای مسائل انسان معاصر بر اساس ابعاد حقیقی و باطنی دین دانست.

روش شناسی عرفان کاربردی

عرفان کاربردی به عنوان زیرشاخه‌ای از عرفان نظری و علم عرفان عملی، هویتی معرفتی دارد؛ هویتی معرفتی که از رهگذر رویکردی مسأله محور مجموعه عرفان نظری و علم عرفان عملی را بازخوانی نموده و با روش قیاس و استقراء به تحلیل مسائل انسان محور می‌پردازد؛ از این رو، عرفان کاربردی دارای بستری معرفتی است. چند مسیر پژوهشی می‌توان در عرفان کاربردی پیش رو داشت:

الف. پیوست‌های کاربردی:

در این مسیر معرفت پژوهان در حین مطالعات و بررسی‌های بنیادین و محض خود در عرفان نظری و علم عرفان عملی بر اساس پیش زمینه‌های ذهنی خویش در هر مسأله‌ای به نتایج کاربردی آن هم بپردازند.

در این مسیر مراقبت‌هایی لازم است که در صورت عدم توجه و رعایت آن‌ها، از اهداف عرفان کاربردی دور خواهیم شد:

امکان واقعی نبودن کاربردها،

امکان عدم رعایت اولویت‌ها

امکان تأثیر نوع نتایج کاربردی در اتخاذ یک مبنای عرفانی؛ ذهن پژوهشگر ممکن است خواه-ناخواه با توجه به انواع گوناگون نتایج کاربردی به بررسی مبنای عرفانی بپردازد؛ بدون اینکه در نظام معرفت‌شناختی ارزیابی گردد.

ب. نیازسنجی، مسأله‌یابی و رجوع به معارف بنیادین عرفانی:

در این مسیر معرفت‌پژوهان پس از تلقی منظومه معرفتی عرفان اسلامی در دو حوزه عرفان نظری و علم عرفان عملی وارد عرصه پژوهش‌های کاربردی می‌گردند. در عرصه پژوهش‌های کاربردی عرفان اسلامی، گام‌های زیر توصیه می‌گردد:

ابتدا نیازهای زندگی انسانی شناسایی می‌گردد

نیارهای شناسایی شده تبدیل به مسأله می‌گردند.

در نظام مسائل عرفان کاربردی جانمایی می‌گردد. (تشکیل خانواده نسبت‌ها)

به مطالعات بنیادین عرفانی در حوزه نظر و عمل ارجاع داده می‌شود و مبانی و اصول قابل تطبیق شناسایی می‌شود.

در صورت اجرا و تطبیق چند مبنا و اصل کلی در مسأله مورد پژوهش که با یکدیگر منافات دارند بنا به اولویت‌ها به رفع تعارض و یا تراحم در موارد پرداخته می‌شود.

ج. مراتب قواعد و اصول هسته‌ای:

مراتب رتبی و شمولی اصول و قواعد یکی از مسیرهای مطالعاتی در عرفان کاربردی است. در این مسیر پژوهشگران پیش از آنکه وارد مسأله‌یابی و حل مسأله گردند، مراحل زیر را طی می‌نمایند:

تلقی نظام معرفتی عرفان اسلامی (اعم از عرفان نظری و علم عرفان عملی)

ترسیم حوزه‌های مختلف طرح عرفان کاربردی

استخراج قوانین و قواعد جزئی‌تر هر حوزه مبتنی بر بنیادهای عرفانی

نیازسنجی و تولید مسأله

جست‌وجو در میان قواعد اصول عرفانی آن عرصه خاص؛ پژوهشگر به‌جای آنکه به بررسی همه

قواعد و اصول مجموعه عرفان اسلامی بپردازد با دقت بیشتر به قواعد و اصول مربوطه می‌پردازد.

منظوم سازی معرفت..... قوانین و قواعد خاص حوزه مربوطه.....نیازسنجی و مسأله‌یابی

تعریف جامع عرفان کاربردی

با توجه به مختصات معرفتی و تبیینی که پیرامون دو مفهوم «عرفان» - در معنای دانشی خود - و «کاربردی» - در استفاده اضافی به دانش‌ها - مطرح شد، تعریف «عرفان کاربردی» به صورت زیر ارائه می‌گردد:

«تبیین مجموعه دانشی عرفان اسلامی (نظری و عملی) در ساحات گوناگون زندگی فردی و اجتماعی در دو سطح جوانجی و جوارحی با پردازش شرایط و اقتضایات محیط‌های گوناگون انسان معاصر و تمرکز بر بررسی موارد عینی و جزئی و ارائه اصول و قواعد خاص‌تر».

به بیان خلاصه: «تهیه و تبیین اقتضائات زیست سالکانه و عارفانه در بستر مسائل محیط‌های مختلف حضور انسان‌ها که منجر به بررسی موارد جزئی و تولید اصول و قواعد خاص و جزئی‌تر می‌گردد».

شایان توجه است در «عرفان کاربردی»، مراد از عرفان، علم عرفان و مطلق علم عرفان نظری و علم عرفان عملی می‌باشد. به عنوان نمونه می‌توان به تأثیرات نگرشی توحید عرفانی در معاشرت‌های اجتماعی و مبنای معرفتی اعیان ثابت در حل و فصل مسأله جبر و اختیار اشاره نمود.

جایگاه عرفان کاربردی

سخن از جایگاه یک علم دو معنا می‌تواند داشته باشد:

الف) به معنای شرافت و منزلت: اگر بخواهیم ارزش و منزلت عرفان کاربردی را بررسی نماییم، باید خاطر نشان کرد که به طور کلی علوم کاربردی، ارزش و منزلت خویش را مرهون دانش پایه‌ای خویش هستند؛ از این رو، منزلت عرفان کاربردی را به تبع منزلت عرفان اسلامی می‌توان بررسی نمود.

محقق فناری جایگاه عرفان را چنین تبیین می‌نماید که اگر کسی بخواهد مراد حقیقی حق تعالی در قرآن و مراد واقعی سخنان پیامبر (ص) را درک کند، عرفان نیاز دارد. در ادامه اشاره می‌نماید که موضوع عرفان عام‌ترین موضوعات است و نسبت به موضوع دانش‌های دیگر شرافت بیشتری دارد؛ زیرا که از یک سو موضوع عرفان حق تعالی است و مبادی آن اسماء الله و روش آن کشف و ذوق صحیح است؛ از سویی دیگر متعلق علم عرفان محیط بر سایر امور است؛ چراکه حقیقتی نیست مگر اینکه حق تعالی به لحاظ علمی و وجودی بر آن احاطه داشته و تحت تسلط قدرت و اراده اوست (فناری، بی تا: ۲۸-۲۷).

قیصری نیز می‌گوید: «عرفان، شریف‌ترین و عزیزترین علوم است به دلیل شرافت موضوع و بزرگی مسائلی، اگر چه موضوع فلسفه و کلام هم با موضوع عرفان مشترک است، اما هرگز در فلسفه و کلام، از چگونگی وصول بنده به حق تعالی و قرب به او که هدف والا و اصلی تحصیل علوم و انجام

طاعات است، بحث نمی‌شود و چیزی که در آن دانش‌ها به دست می‌آید، حاصل اوهام و فهمی است که فقط زاییده فکر آن‌هاست و خود حق تعالی نیست». (قیصری، ۱۳۷۵، ۶)

با نظر به عبارات بالا به دست می‌آید که از منظر اهل معرفت عرفان برتر از سایر علوم است؛ هم به دلیل اعم بودن موضوع و هم به اعتبار شرافت موضوع. از جهتی دیگر فایده عرفان بیشتر از سایر علوم است زیرا عرفان علم ویژه خداشناسی و معرفت توحید خداوند متعال و وصول به او، پرفایده‌ترین معرفت و سعادت است و این شناخت هرچه بهتر و دقیق‌تر باشد، برای انسان مفیدتر است و اساساً همه شناخت‌ها و حتی برخورداری‌های مادی و معنوی مقدمه و زمینه‌ای برای شناخت حضوری حق- تعالی است که همان تصعید وجودی انسان است. (واحدجوان، ۱۳۹۸، ۶۵-۶۶)

ب. رتبه‌بندی علمی: با توجه به سنخ علوم کاربردی که مبتنی بر مباحث پایه‌ای هستند به لحاظ منطقی باید اذعان نمود که هویت معرفتی عرفان کاربردی مبتنی بر مجموعه عرفان نظری و عملی است؛ عرفان کاربردی زیرمجموعه و زیرشاخه‌ای از عرفان نظری و علم عرفان عملی تلقی می‌شود و نه در عرض و مقابل آن. درواقع مبانی و اصول عرفان اسلامی در عرفان نظری و علم عرفان عرفان عملی بررسی و ارائه می‌گردد و در عرفان کاربردی امتداد و نتایج آن‌ها در مسأله‌ای خاص در عرصه‌های نظر و عمل رهگیری و به ارائه راهکار منتهی می‌شود؛ به عبارتی دیگر در عرفان کاربردی به صورت موردکاوی به تبیین لوازم و نتایج اصول و مبانی مجموعه دانشی عرفان نظری و عملی در مسائل گوناگون انسانی پرداخته می‌شود.

ناگفته نماند در امر آموزش و یا انگیزه‌سازی در مخاطبین برای ورود به ساحت عرفانی می‌توان در پاره‌ای از موارد در ابتدای امر به مباحث عرفان کاربردی پرداخت چراکه، عرفان کاربردی با مسائل روزمره و بسیار نزدیک افراد روبه‌رو بوده و از این‌رو، برای مخاطب در بدو امر از جذابیت بیشتری برخوردار است.

با توجه به ماهیت عرفان کاربردی باید جایگاه عرفان کاربردی را در مجموعه عرفانی و متأخر از عرفان نظری و عرفان عملی دانست.

در میان دانش‌پژوهان پیرامون شکل‌گیری علوم کاربردی بحثی مطرح است که به‌طورکلی آیا ابتدا علوم کاربردی در قالب مسائل شکل گرفتند و سپس علوم پایه‌ای و غیرکاربردی یا ابتدا علوم پایه‌ای و بعد علوم کاربردی مبتنی بر آن شکل گرفتند؟ هر دو پاسخ به این سوال موافقان و مخالفانی دارد (استریکهاوزر، ۲۰۱۵، ۸۵۰) و الآن ما درصدد بررسی سیر تاریخی آن و تعیین تقدم نظریه بر دغدغه یا برعکس نیستیم، اما آنچه به‌وضوح می‌توان اذعان نمود عبارت است از آنکه این دو شاخه در علوم کاملاً به یکدیگر وابسته و بر هم تاثیرگذار هستند.

آثار و فواید عرفان کاربردی

تشخیص وظیفه عرفانی در ساحت‌های جوانحی و جوارحی

در زندگی انسان‌ها در موارد بسیاری تشخیص مسیر سلوکی بسیار سخت می‌نماید ولی با طرح مباحث عرفان کاربردی می‌توان کمک شایانی به سردرگمی‌های انسان نمود؛ به عنوان نمونه در موارد بسیاری از زندگی، تشخیص مرز میان اخلاص و شرک بسیار سخت می‌شود.

توان ارزیابی عرفانی بینش‌ها، نگرش‌ها و عملکردها

انسان موجودی اجتماعی است و در ارتباط با انسان‌های دیگر خواه‌ناخواه قضاوت‌هایی خواهد داشت؛ و این قضاوت‌ها به عرصه‌های بینش، نگرش و عملکرد انسان‌ها مربوط می‌شود؛ از سوی دیگر، تأثیرات سلوکی همراهی با انسان‌ها مورد توافق اهل معرفت است (ر.ک: بهاری، ۱۳۷۵: ۸۷؛ رضایی‌تهرانی، ۱۳۹۲: ۲۵۷) و دارای حساسیت‌های فراوانی است و از این جهت نیز خواه‌ناخواه باید به ارزیابی دیگران پرداخت. عرفان کاربردی با ارائه معیارهای ملموس در عرصه‌های عینی به سالکین کمک خواهد نمود تا بتوانند ارزیابی صحیح و بهتری داشته باشند.

حل مشکلات و چالش‌های نظری و سلوکی

در دنیای کنونی طرز فکرها و رفتارهای گوناگونی در حال ارائه است؛ و به‌طور ویژه با توجه بسترهای ارتباطی سریع و همگانی، انسان معاصر خود را مخاطب همه اندیشه‌ها و رفتارها می‌یابد و شبهات گوناگونی در مسیری که پیش گرفته است مطرح می‌گردد و عرفان کاربردی با نگاهی مسئله‌محور می‌تواند با تبدیل مشکلات و چالش‌ها به مساله گام مهمی در حل آن‌ها بردارد.

استفاده از جذابیت عرفان اسلامی برای دعوت به حقیقت و حقانیت اسلام

انسان‌ها به معنویت گرایش داشته و نوعی باطن‌گرا محسوب می‌شوند؛ ارائه آموزه‌های عرفانی اسلام موجب توجه بیشتر به حقیقت فطری دین خواهد گردید. به عنوان نمونه توجه به سیر حبی در عرفان همواره مورد تأکید اهل معرفت بوده است (رضایی‌تهرانی، ۱۳۹۲: ۲۲۰) و سالکین سختی‌های سلوک را با توجه و تمرکز به عشق محبوب با حلاوت و شیرینی خاصی پشت سر خواهند گذاشت.

ملموس‌تر نمودن معارف عرفانی

با نگاه مسئله‌محور و درگیری روزانه آحاد انسان‌ها با مسائل خود می‌توان در قالب عرفان کاربردی، معارف عرفانی به راحتی در دسترس افراد قرارداد به طوری که از مشکلات نظری یا عملی آن‌ها گره-

گشایی نماید؛ به عنوان نمونه می‌توان در تأثیر نگرش توحید عرفانی به تاب‌آوری انسان‌ها در رویارویی با مشکلات و سختی‌های زندگی اشاره نمود.

گفتمان‌سازی

در جوامع اسلامی انگاره‌ای نسبت به عرفان شکل گرفته است که گویی عرفان تنها مربوط به افراد خاصی است که از زندگی دست‌شسته‌اند و در خرابات در پی پیر خویش روزگار می‌گذرانند. نتیجه این تلقی به حاشیه راندن عرفان است که در قالب عرفان کاربردی می‌توان شاهد گفتمان‌سازی سبک زندگی عرفانی بود.

تشکیل حلقه‌های مطالعاتی عرفان‌های مضاف

با توجه به بین‌رشته‌ای بودن عرفان کاربردی، گفتمان عرفان کاربردی منجر به تشکیل حلقه‌های مطالعاتی متشکل از متخصصان عرصه‌های مختلف و عرفان‌پژوهان خواهد شد؛ به عنوان نمونه به «عرفان جهاد و مقاومت» می‌توان اشاره نمود که با هم‌اندیشی صاحب‌نظران دانش فقه، دانش‌های نظامی و عرفان‌پژوهان شکل می‌گیرد.

عینی‌شدن عرفان حقیقی

با جریان مبانی و اصول عرفان اسلامی در ساحات گوناگون زندگی است که انسان می‌تواند به اهداف توحیدی خویش واصل شود. به‌نظر می‌رسد جریان معارف عرفان اسلامی جز از طریق بازخوانی میراث دانشی عرفان اسلامی در مطالعات مسأله‌محور محقق نخواهد شد؛ مطالعات روشمند مسأله-محوری که در قالب دانش مستقلی سامان می‌یابد و منجر به اندیشه‌سازی می‌گردد؛ از این‌رو، باید اذعان نمود عرفان کاربردی با اندیشه‌سازی عرفانی در ساحات‌های مختلف پیش‌درآمدی خواهد بود برای به‌عینیت درآمدن عرفان حقیقی در ساحات‌های مختلف زندگی.

۵. نتیجه‌گیری

در نوشتار حاضر با دغدغه بهره‌مندی از میراث عرفان اسلامی در حل مسائل نظری و عملی انسان در حوزه‌های مختلف زندگی، ایده عرفان کاربردی طرح و در قامت یک دانش به مختصات علمی آن پرداخته شد و چنین نتایجی به دست آمد:

۱. مراد از عرفان کاربردی، تبیین معارف عرفانی (نظری و عملی) در ساحات گوناگون زندگی فردی و اجتماعی در دو سطح جوانحی و جوارحی با پردازش شرایط و اقتضایات محیط‌های گوناگون انسان و تمرکز بر موارد عینی و جزئی که منجر به تولید اصول و قواعد خاص‌تر می‌شود، است.

۲. تعمیق دین‌داری، دیریابی مفاهیم عرفانی، ضرورت تسهیل فهم مفاهیم و معارف عرفانی، شیوع جنبش‌های معنویت‌گرا به عنوان رقبای نظری و عملی عرفان اسلامی، حضور و نقش آفرینی عرفان اسلامی در متن زندگی انسانی از وجوه ضرورت طرح عرفان کاربردی به مثابه یک ایده است.

۳. ظرفیت مجموعه عرفان اسلامی خواه در مقام دانشی و خواه در مقام تحقق، از یک سو، و از سوی دیگر ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های ساحت‌ها و تعاملات انسان به‌ویژه در عصر در حاضر، عمده دلایل ارائه عرفان کاربردی به مثابه یک دانش مستقل و گذر از توصیه‌ها و دستورالعمل‌های پراکنده است.

۴. عرفان کاربردی از منظر دانشی، پسینی بوده و مبتنی بر نظام معرفتی عرفان نظری و عرفان عملی است. در عرفان کاربردی به صورت موردکاوی به تبیین امتداد اصول و مبانی مجموعه دانشی عرفان نظری و عملی در مسائل گوناگون انسانی پرداخته می‌شود. نتیجه و غایت مطالعات و بررسی‌های مسأله‌محور در عرفان کاربردی، ارائه سبک زندگی عرفانی در ساحات گوناگون حضور انسان‌ها خواهد بود.

۵. عرفان کاربردی دانشی میان‌رشته‌ای است و از این‌رو، جهت شناخت اقتضائات و شرایط عینی با بهره‌گیری از دانش‌های تخصصی همان عرصه و علوم هم‌چون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، به جریان مبانی عرفانی و سلوکی در مسأله مدنظر می‌پردازد.

منابع و مأخذ

- (۱) آملی، سیدحیدر، ۱۳۶۸، جامع الأسرار و منبع الأنوار، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- (۲) ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴، لسان العرب، بیروت، دارصادر.
- (۳) اسلامی، محمدتقی و دیگران، ۱۳۸۹، اخلاق کاربردی (چالش‌ها و کاوش‌های نوین در اخلاق عملی)، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- (۴) اسلامی، محمدتقی، ۱۳۹۳، (شناسنامه علمی اخلاق کاربردی)، پژوهش‌نامه اخلاق، ۲۵، ۲۲-۷.
- (۵) اصفهانی، حسین بن محمد راغب، ۱۴۱۲، مفردات الفاظ القرآن، صفوان عدنان داودی، لبنان و سوریه، دارالعلم و دارالشامیه.
- (۶) ام. آروین، الکساندر، ۱۳۸۲، (انسان شناسی کاربردی؛ ابزارها و چشم‌اندازهایی برای تجربه معاصر)، ترجمه سپیده پارسا پزوه، نامه انسان‌شناسی؛ چهارم، ۱۹۵-۱۸۹.
- (۷) بهاری، محمد، ۱۳۷۵، تذکره‌المتقین، قم، انتشارات نهان‌دی.
- (۸) جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۱۰، تاج اللغة و صحاح العربیه، احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم للملایین.
- (۹) حبیبی، رضا و دیگران، ۱۳۹۱، فلسفه علوم تجربی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
- (۱۰) خمینی ره، سیدروح‌الله، ۱۳۷۱، مناهج الوصول الی علم الاصول، قم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.
- (۱۱) خندان، علی‌اصغر، ۱۳۹۵، منطق کاربردی، کتاب طه و سمت.
- (۱۲) رضایی تهرانی، علی، ۱۳۹۲، سیروس‌لوک، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
- (۱۳) رمضان، حسن، ۱۳۹۸، عرفان در آیینه قرآن و روایات (عرفان عملی)، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- (۱۴) رمضان، حسن، ۱۳۹۸، عرفان در آیینه قرآن و روایات (عرفان عملی)، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- (۱۵) زاهدی، محمدصادق، ۱۳۹۳، (فلسفه کاربردی و میان‌رشتگی)، مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوم، ۱۷-۱، تهران، مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
- (۱۶) شریفی، احمدحسین، ۱۳۹۰، (چیستی اخلاق کاربردی)، معرفت اخلاقی، سوم، ۹۶-۸۳، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.

- (۱۷) طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۶۷، مجمع البحرین، سیداحمد حسینی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- (۱۸) عسکری، ابوهلال، معجم الفروق اللغویه، ۱۴۱۲، بیت الله بیات، قم، موسسه نشر اسلامی.
- (۱۹) فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰، العین، مهدی مخزومی، ابراهیم سامرائی، قم، هجرت.
- (۲۰) فناری، محمدحمزه، بی تا، مصباح الانس بین المعقول و المشهود، عاصم ابراهیم الکیالی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- (۲۱) قراملکی، احدفرامرز و دیگران، ۱۳۸۳، (الگوی علم‌شناسی اصولیان)، مقالات و بررسی‌ها، ۷۵، ۱۰۵-۱۲۴.
- (۲۲) قراملکی، احدفرامرز، ۱۳۸۵، روش‌شناسی مطالعات دینی (تحریری نو)، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- (۲۳) قصیری، داود، ۱۳۷۵، رسائل قیصری، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- (۲۴) کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷، اصول کافی، قم، دارالکتب الاسلامیه .
- (۲۵) لاهیجی، شمس‌الدین محمد، ۱۳۸۵، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، محمد رضا برزگر خالقی و غفت کرباسی، تهران، زوار .
- (۲۶) محمدی، مسلم، ۱۳۹۴، (کلام کاربردی؛ ضرورت و هویت)، فصلنامه تحقیقات کلامی، هشتم، ۸۸-۶۹.
- (۲۷) واحدجوان، وحید، ۱۳۹۸، وحدت وجود در عرفان اسلامی، قم، قائم آل علی علیه‌السلام.
- (۲۸) لارسن، کالوین، ۱۳۷۷، نظریه‌های جامعه‌شناسی محض و کاربردی، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران، سمت.
- (۲۹) خبر:
- (۳۰) سبجانی، محمدتقی، ۱۳۹۶، نشست علمی «کلام کاربردی؛ ضرورت و قلمرو» ۲ خرداد ۹۶، کد خبر: ۱۶۳۵۵۵ (<https://www.hawzahnews.com>)

